

تبیین شادابی اجتماعی با تاکید بر نابرابری در آمدی و نقش میانجیگری رضایت از زندگی

احسان رحمانی خلیلی^۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۷/۲۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۵/۰۶

DOI: 10.30495/JISDS.2022.68751.11773

چکیده

واژه شادابی برای اشاره به جنبه خاصی از زندگی به کار نمی‌رود، بلکه کل زندگی فرد را مدنظر دارد. منظور این است که فرد برای ابراز میزان نشاط خود، برداشت خود از یکی از ابعاد و وقایع زندگی را ملاک قرار می‌دهد. در تعریف شادابی منظور از خوشایندی، ارزشمند و دوست داشتنی بودن زندگی از طرف خود فرد می‌باشد. که سوال اصلی در مقاله حاضر اینست که: درآمد با نقش میانجیگری رضایت از زندگی بر شادابی اجتماعی چه تاثیری دارد؟ این تحقیق با رویکرد اثبات گرایی و از نوع تبیینی است و از روش پیمایش استفاده شده است. سنجش متغیر شادابی اجتماعی براساس شاخص لیندنبرگ، عملیاتی شده است. پرسشنامه پس از بررسی روایی و پایایی، با تلفیق روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی و خوشه‌ای چند مرحله‌ای، با برآورد حجم نمونه از طریق فرمول کوکران، در بین ۷۸۰ خانوار در پنج منطقه شهر تهران در سال ۱۳۹۹ اجرا گردید. یافته‌های مقاله حاضر در بررسی همبستگی جزئی نشان می‌دهد که علیرغم وجود رابطه بین درآمد و شادابی اجتماعی با کنترل رضایت از زندگی، درآمد با شادابی اجتماعی رابطه معناداری ندارد. همچنین در بررسی مدل تحقیق به روش Bootstrap در نرم‌افزار SmartPls نتایج نشان می‌دهد که، میزان تاثیر متغیر درآمد بر شادابی اجتماعی بطور مستقیم ناچیز می‌باشد و متغیر درآمد بیشترین تاثیر را از طریق متغیر رضایت از زندگی بر شادابی اجتماعی می‌گذارد و همچنین میزان تاثیر رضایت از زندگی بر شادابی اجتماعی نیز تاثیری قوی می‌باشد.

واژگان کلیدی: شادابی اجتماعی، درآمد اقتصادی، رضایت از زندگی، شهروندان تهرانی

^۱ گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول): Email: Ehsan5171@gmail.com

مقدمه

رویکرد توسعه انسانی^۱ که در ابتدا از سوی دفتر برنامه توسعه سازمان ملل^۲ به کار گرفته شد در هسته اولیه خود بر این نکته تأکید داشت که اندیشه‌ها و رویکردهای توسعه بیش از آنکه اقتصاد کلان را محور توسعه قرار دهند، می‌بایست رفاه افراد را به عنوان هدف غایی در نظر گیرند» (باجپایی، ۱۳۸۴: ۳۰). در واقع ایده اصلی این رویکرد عبارت است از اینکه بهزیستی انسان هدف اصلی توسعه است و انسان‌ها فاعل و منبع اصلی توسعه به شمار می‌آیند. (UNDP, 1990: 10). به بیان دیگر برنامه توسعه سازمان ملل، توسعه انسانی را فرآیند گسترش دامنه انتخاب مردم و بالا بردن سطح رفاه، رضایت از زندگی و شادابی از طریق بسط قابلیت‌ها و کارکردهای آنها می‌داند. بر این اساس می‌توان به تغییرات همسوی توسعه و شادابی نیز اشاره کرد.

اینکلهارت در این زمینه اظهار می‌دارد که سطح پایین رضایت از زندگی و احساس خوشبختی، به گرایش‌های منفی نسبت به کل جامعه می‌انجامد و دوره‌های طولانی برآورده نشدن آرزوها و انتظارات، موجب ظهور نگرش‌های بدبینانه‌ای می‌شود که این بدبینی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌گردد (چلبی، ۱۳۷۸: ۳۵-۳۴).

در بررسی عوامل اثرگذار بر این مفهوم ذهنی موثر در توسعه پایدار، می‌توان گفت که؛ اقتصاددانان به طور کلی می‌پذیرند که شادابی وابسته تغییر شرایط بخصوص شرایط مادی است. تئوری غالب این حوزه را می‌توان "هرچه بیشتر، بهتر"^۳ نامید. کاربرد عمده این تئوری اینست که فرد می‌تواند با افزایش درآمد سطح خوشبختی خود را بهبود بخشیده و سیاست نیز به نوبه خود، هدف افزایش درآمد جامعه را مدنظر قرار دهد (Easterlin, 2003: 4). از طرفی افرادی مانند لین به تحقیقات زیادی در ایالات متحده و اروپا اشاره می‌کند که منبع اصلی شادابی را به جای درآمد، حمایت اجتماعی^۴ یا همیاری می‌داند (Lane, 2000: 104). با توجه به مطالعات نظری انجام شده مشخص شد که سیستم‌های از پیش موجود فرهنگی، هنجارها و ارزش‌های مؤثر در قالب و شکل دستوری به شکل نیرومندی باعث ظهور شادابی در جمع می‌شوند.

از طرفی محقق در تجربه زیسته و مواجهه با اطرافیان در موارد متعددی به این نتیجه رسیده است که افرادی که درآمد بالایی دارند شاخص‌های شادابی در آنها پررنگ دیده نمی‌شود و از طرفی دیگر افرادی که در صدد پیشرفت و موقعیت بهتر رفاهی می‌باشند احساس شادابی بیشتری دارند و همچنین برخی از افراد در محله‌هایی که از سطح زندگی یکسان بهره‌مند می‌باشند و الزاما درآمد و سرمایه اقتصادی بالایی ندارند از رضایت و شادابی بیشتری برخوردارند. در نتیجه با مطالعات نظری و مشاهدات تجربی انجام شده محقق درصدد بررسی این مسئله بوده است که در شرایط فعلی شهر تهران درآمد اقتصادی چگونه می‌تواند در شکل‌گیری و نگهداشت شادابی اجتماعی شهروندان نقش موثری داشته باشد؟ به عبارت دیگر سوال اصلی تحقیق اینگونه مطرح می‌شود که:

"آیا درآمد اقتصادی شهروندان تهرانی می‌تواند بر شادابی اجتماعی آنان موثر باشد؟ از چه مسیری؟ و به چه میزان؟"

پیشینه تحقیقات

در بررسی پیشینه شادابی اجتماعی می‌توان گفت ضعف عمده در بحث نظری و یا کار تجربی اثرات شادابی اجتماعی نیست، بلکه ضعف عمده در کمبود کار نظری و تجربی بر روی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شادابی اجتماعی است.

ساکس و همکاران^۵ (۲۰۱۲) در مطالعه‌ای نشان داده‌اند که رشد اقتصادی بیشتر، سبب رشد بالاتری در رضایت از زندگی و خوب زیستن می‌شود.

¹ Human Development Approach

² United Nation Development Programm

³ more is better

⁴ social support

⁵ Sacks et al

نابه و راتزل^۱ (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین درآمد و شادی در بین افراد فعال جامعه در بازه سنی ۱۸ تا ۶۵ طی سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۸ و برای کشور آلمان پرداخته‌اند. آنها با استفاده از مدل پانل دیتا به صورت لگاریتمی با اثرات ثابت به این نتیجه رسیده‌اند که تأثیر درآمد بر روی شادی مثبت است، اما بعد از یک حد مشخص این اثر منفی می‌شود. به این صورت که تقاضا برای درآمد بالاتر نیازمند کار و تلاش بیشتری است و کار بیشتر عاملی برای کاهش مطلوبیت و شادی است.

کنی^۲ (۱۹۹۹) در مطالعه‌ای اثرات متقابل رشد اقتصادی بر شادی و شادی بر رشد اقتصادی را بررسی کرد. این مقاله به پرسش "کدام باعث دیگری است؟" پاسخ می‌دهد و معتقد است که هر دو می‌توانند بر یکدیگر اثر داشته باشند. براساس این مطالعه، سطح رفاه اقتصادی واقعی، شرط لازم برای شادی است؛ اما شواهد زیادی وجود دارد که وقتی استانداردهای زندگی واقعی حاصل می‌شود، رابطه بین رشد و شادی از بین می‌رود.

وینهنون^۳ (۱۹۸۹) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین ثروت ملی و رضایت از زندگی فردی پرداخته است. نتایج پژوهش او نشان داده که در جوامع اروپایی بعد از جنگ به دلیل بهبود وضعیت اقتصادی، رضایت از زندگی و خوشحالی نیز در این کشورها افزایش یافته است. در واقع او برخلاف کسانی که رضایت از زندگی و شادی را مستقل از شرایط اقتصادی دانسته‌اند، یک رابطه مستقیم بین رضایت از زندگی و سطح اقتصادی را به اثبات رسانید. طبق نتایج وی در کشورهای ثروتمند مردم خوشحال‌تر از کشورهای فقیر خواهند بود.

کلارک و اسوالد^۴ (۱۹۹۴) در این زمینه نتایج قابل توجهی به دست آورده‌اند. آنها گزارش کرده‌اند شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد تولید ناخالص ملی سرانه^۵ با میزان شادابی افراد جامعه رابطه مستقیم دارد و افزایش درآمد ملی شادابی مردم را افزایش می‌دهد. همچنین از طرفی وجود بیکاری (عدم درآمد) نیز در جامعه حتی برای کسانی که به کار اشتغال دارند، استرس آور و شادابی زداست. بلنچ فلور^۶ (۱۹۹۱) یکی از دلایل این امر را ترس از بیکار شدن می‌داند. دلیل دیگر این است که با افزایش بیکاری، میزان مالیات‌ها هم سیر صعودی پیدا می‌کند، زیرا وجود بیکاری منجر به سرمایه‌گذاری دولت‌ها برای اشتغال زایی می‌شود و یکی از منابع تأمین اعتبارات مربوط به سرمایه‌گذاری‌های دولت، اخذ مالیات از شاغلان است (به نقل از رحمانی خلیلی، ۱۳۹۲: ۱۷۱).

محمدزاده و همکاران (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر درآمد بر شادی نیروی کار در ایران پرداخته‌اند. در این پژوهش روش حداکثر راستنمایی داده‌های پرسشنامه‌ای دو سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۵ به کار گرفته شده است. یافته‌های تجربی نشان دهنده تأثیر مثبت و معنادار درآمد بر شادی نیروی کار در ایران است.

بختیار و فتح‌آبادی (۱۳۸۹) تأثیر بیکاری و تورم را با شادی و رفاه در کشورهای آسیایی منتخب بررسی کرده‌اند. نتایج این پژوهش با به کارگیری روش داده‌های تلفیقی نامتوازن، بیانگر آن است که تورم و بیکاری هر دو باعث کاهش سطح شادی در کشورهای مورد مطالعه شده‌اند؛ که اثرگذاری بیکاری بیشتر از نرخ تورم بوده است.

خسروی و همکاران (۱۳۸۹) در بررسی عوامل مؤثر بر شادکامی دانشجویان به این نتیجه دست یافته‌اند که میزان درآمد، تأهل و رشته تحصیلی بیشترین قدرت پیش‌بینی را در میزان شادکامی خواهد داشت.

چارچوب نظری

آیزنک^۷ در تعریف شادی می‌گوید: واکنش مثبتی است که در مواجهه با صحنه‌ها و رویدادهای رضایت بخش پدید می‌آید و

^۱ Knabe & Rätzl

^۲ Kenny

^۳ Veenhoven

^۴ Oswald Clark

^۵ Gross National Product Per Capita

^۶ Blanch Flower

^۷ Eysenck

احساس خوشایندی است که بر اثر دستیابی به آنچه آرزو و انتظارش را داریم پایداری گردد (آیزنک، ۱۳۷۵: ۱۷۲). واژه شادابی برای اشاره به جنبه خاصی از زندگی به کار نمی‌رود، بلکه کل زندگی فرد را مدنظر دارد. البته به این معنی نیست که به تمام وقایع زندگی خود ارزش یا وزن واحدی داده شود، بلکه منظور این است که فرد برای ابراز میزان نشاط خود، برداشت خود از یکی از ابعاد و وقایع زندگی را ملاک قرار می‌دهد. در تعریف شادابی منظور از خوشایندی، ارزشمند و دوست داشتنی بودن زندگی از طرف خود فرد می‌باشد.

داینر^۱ در تئوری ارزیابی^۲، معتقد است خوشبختی ذهنی به مجموع واکنش‌های ارزشی^۳ بر می‌گردد که هنگامی که فرد با محرکی در دنیا روبرو می‌شود، اتفاق می‌افتد. واکنش‌های ارزشی موجب کمک به ما در بقاء و تولید مثل می‌شوند. اما این علی‌الخصوص به شادی بیشتر منجر نمی‌شود. تئوری ارزیابی در جستجوی درک فرایندهایی است که به موجب آن اطلاعات از محیط اطراف ما فهم و ارزیابی می‌شود. ما تصدیق می‌کنیم که شرایط محیطی که موجب تهدید یا تویخ بقاء می‌شوند، احتمالاً اثر مستقیم و شدیدی بر خوشبختی ذهنی می‌گذارند. اما پیچیدگی ذهنی انسان که به همان اندازه پیچیدگی فرهنگ و یادگیری اوست به او این اجازه را می‌دهند که بر واکنش‌هایش تاثیر گذارند (که در واقع همان رضایت از زندگی است). حتی اطلاعاتی که با نیازهای بیولوژیک در رابطه اند با مقولات ارزشها، اهداف، انگیزه‌ها و هنجارها ارزیابی می‌شود. تئوری ارزیابی فرض می‌کند که واکنش‌های ارزشی (هم مثبت و هم منفی) انطباقی و کارکردی‌اند (Diener & Seligman, 2002). بنابراین میزان ارزیابی مثبت و منفی و احساس رضایت داشتن ما از شرایط می‌تواند بر شاد بودن یا نبودن ما تاثیر بگذارد.

تیان و یانگ^۴ (۲۰۰۸) به تحلیل نقش‌های متفاوت عوامل درآمدی و غیر درآمدی در ارتقاء شادی افراد می‌پردازند و بنیانی برای مطالعه شادی از دیدگاه افزایش رفاه اجتماعی و عقلانیت منافع فردی فراهم می‌کند. در راستای یافته‌های تجربی موجود، این نظریه پیش بینی می‌کند که درآمد باعث افزایش شادی می‌شود، اما تنها تا یک نقطه معین (نقطه‌ای که اندازه آن توسط سطح عوامل غیر درآمدی در اقتصاد معین می‌شود)، اما هنگامی که سطح عوامل غیر درآمدی به دست آمد، افزایش این نقطه درآمدی که قبلاً نیز افزایش یافته بود، منجر به تخصیص ناکارآمدی مورد نظر پارتو می‌شود و شادی افراد را کاهش می‌دهد. این تحقیق نشان می‌دهد که ورای نقطه بحرانی، افزایش درآمد به تنهایی تاثیری بر شادی اجتماعی ندارد و مهم تر آنکه سطح درآمد در این نقطه با سطح عوامل غیر درآمدی موجود در جامعه، مشخص می‌شود و بهبود عوامل غیر درآمدی می‌تواند باعث افزایش این نقطه بحرانی درآمدی شود. نتایج این تحقیق همچنین عبارت بودند از اینکه دولت باید به تقویت رشد متعادل میان عوامل درآمدی و عوامل غیر درآمدی بپردازد. ممکن است سیاستمداران در بیشتر کشورها تاکید زیادی بر رشد اقتصادی داشته باشند و سیاست‌های اقتصادی منجر به تولید کالاهای درآمدی شود، اما این امر منجر به رکود شادی می‌شود. یک راه حل ساده اما موثر برای این مشکل تبدیل کالای اقتصادی به کالای غیر اقتصادی می‌باشد (Tian & Yang, 2008).

لین^۵ علاوه بر اینکه تنها منبع شادابی را در آمد و وفور اقتصادی دانستن کار خطایی می‌داند، اظهار می‌کند که مردم خواسته‌های گوناگونی دارند که یکی از آنها شادابی است. ممکن است فردی بگوید که من احساس شادی دارم اما چیزهای بیشتری در زندگی می‌خواهم. همچنین ارزشمندی شادابی در فرهنگ‌های مختلف، متفاوت است. ممکن است در فرهنگ ارزش عدالت یا آزادی جای آنرا بگیرد. به نظر لین به طور کلی، باید توجه کرد که کیفیت بالای زندگی، صرفاً وابسته به خوشبختی ذهنی بالا نیست (Lane, 2000: 112). اینکه هنوز بعضی اقتصاددانان مدافع نوعی رضایت به نام "فایده"^۶ هستند، اتفاق غریب و مضحکی به نظر

¹ Diener

² Evaluation theory

³ evaluation reactions

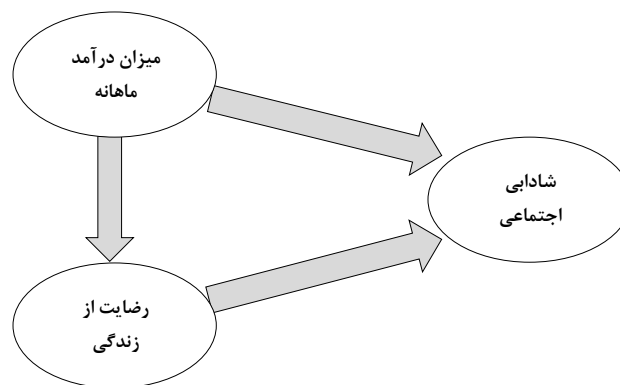
⁴ Tian & Yang

⁵ Lane

⁶ Utility

می‌رسد. به نظر لین در مقابل درآمد پولی که مشمول قاعده نفع حاشیه‌ای نزولی^۱ است، یک کالای رقابتی به نام همیاری^۲ وجود دارد. شواهد نشان می‌دهند که همیاری و مصاحبت که خارج از حوزه بازار جریان دارند، سهم بیشتری نسبت به درآمد در خوشبختی افراد دارد. در طول نیم قرن اخیر در جوامع فردگرا با وجود اینکه تقاضای کالاهایی از نوع همیاری کم نشده، و بی‌عرضه آن رو به زوال است ولی در جوامع جمع‌گرا، همیاری نسبتاً وافر و درآمد به طور نسبی کمیاب است. لین با اشاره به یک مطالعه بین فرهنگی داینر و همسرش مارسیا داینر (۱۹۹۵) که در آن سهم خوشبختی ذهنی ناشی از دوستان و خانواده را در دو نوع فرهنگ فردگرا و جمع‌گرا بررسی کرده بودند، نتیجه بدست آمده را بازگو می‌کند: "میزان رابطه بین رضایت دوستی و رضایت کلی از زندگی وابستگی شدیدی به درجه فردگرایی آن کشور داشت، به این صورت که این همبستگی در جوامع فردگرای غنی تر، پول سهم بیشتری از خوشبختی ذهنی را به خود اختصاص می‌دهد. لین در راستای تأیید نظریه اش، به یافته دیگری از مطالعه داینر (۱۹۹۵) اشاره می‌کند: مردم در کشورهای فردگرا شادترند اما هنگامی که درآمد آنها کنترل شد، این رابطه اهمیت خود را از دست می‌دهد (Ibid:119).

با توجه به چارچوب نظری فوق و پیچیدگی مفهوم شادابی اجتماعی در جوامع انسانی موجب می‌شود که مکانیسم تاثیر درآمد بر شادابی اجتماعی تک خطی نباشد بلکه، از مسیرهای مختلف و تاثیر بر روی متغیرهای دیگر بر شادابی اجتماعی موثر باشد که در این تحقیق با استفاده از نظریه‌های همسو، میانجیگری مفهوم رضایت از زندگی مورد توجه قرار گرفته است.



مدل نظری تحقیق

فرضیات تحقیق

- فرضیه اول: به نظر می‌رسد درآمد پاسخگویان با ابعاد شادابی اجتماعی رابطه همبستگی معناداری دارند.
- فرضیه دوم: به نظر می‌رسد رضایت از زندگی با ابعاد شادابی اجتماعی رابطه همبستگی معناداری دارند.
- فرضیه سوم: به نظر می‌رسد درآمد پاسخگویان، رضایت از زندگی و شادابی اجتماعی با هم رابطه همبستگی معناداری دارند.
- فرضیه چهارم: به نظر می‌رسد با کنترل متغیر رضایت از زندگی، درآمد پاسخگویان با شادابی اجتماعی رابطه همبستگی معناداری دارند.
- فرضیه پنجم: به نظر می‌رسد همزمانی متغیرهای میزان درآمد ماهانه و رضایت از زندگی بر شادابی اجتماعی موثر می‌باشند.

روش تحقیق

این تحقیق با رویکرد اثبات‌گرایی و از نوع تبیینی است که به دنبال شناسایی عوامل موثر بر شادابی اجتماعی است. در جمع‌آوری

¹ diminishing marginal utility

² companionship

اطلاعات، یک تحقیق پیمایشی و واحد تحلیل آن شهروندان تهرانی (سطح خرد) می‌باشند. از لحاظ معیار زمان یک تحقیق مقطعی است، که در یک زمان صورت گرفته و واقعیت را در یک برهه از زمان یعنی در اردیبهشت ماه سال ۹۹ بررسی می‌کند و در نهایت با توجه به این که به دنبال شناخت و کمک به حل یک مسئله اجتماعی است در دسته تحقیقات کاربردی قرار می‌گیرد.

جامعه آماری تحقیق حاضر شامل کلیه شهروندانی است که در سال ۹۹ ساکن شهر تهران می‌باشند. ابزار گردآوری داده‌ها در این تحقیق پرسشنامه است. برای محاسبه حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده گردید. در این تحقیق جهت اطمینان، حجم نمونه ۱۰ درصد بیش از میزان برآورد شده انتخاب شد که پس از حذف پرسشنامه‌های ناقص و داده‌های پرت این تعداد به ۷۸۰ پرسشنامه رسید. انتخاب نمونه با تلفیق نمونه گیری طبقه‌بندی متناسب و خوشه‌ای چند مرحله‌ای صورت گرفته است. در نمونه‌گیری حاضر پنج منطقه شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز شهر تهران به عنوان طبقه در نظر گرفته شد که به ترتیب مناطق ۳، ۱۶، ۸، ۵، ۶ به عنوان نمونه انتخاب شده است لذا سهم هر منطقه در نمونه، متناسب با سهم آن در جامعه آماری می‌باشد.

تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای پژوهش

تعریف نظری و عملیاتی متغیر شادابی اجتماعی (وابسته)

چگونگی سنجش میزان احساس شادمانی افراد، یکی از مباحثی است که طی چند دهه مورد مناقشه صاحب‌نظران این حوزه قرار گرفته است. اما اکنون پس از انجام پژوهش‌های معتبر، می‌توان اظهار کرد که شادمانی می‌تواند با گزارش خود فرد اندازه‌گیری شود. دورکیم نیز قبلاً در کتاب تقسیم کار اجتماعی اظهار داشته بود: تنها خود فرد برای داوری در باب خوشبختی اش صلاحیت دارد؛ فرد اگر خودش را خوشبخت احساس کند، بی‌گمان خوشبخت است (چلبی، ۱۳۸۷: ۴۱).

نظریه تولید عملکرد اجتماعی، خواستار این است که مردم تلاش کنند از طریق بهینه‌سازی دو هدف جهانی (بهبود فردی و جمعی) و پنج هدف راهگشایی که از طریق آنها این دو هدف نیز حاصل می‌شود (راحتی، انگیزش برای رفاه فردی، شأن، تصدیق‌های رفتاری و عطف برای بهبود جمعی)، شرایط زندگی‌شان را بهبود بخشند و شادابی‌شان نیز افزایش یابد (Lindenberg, 1993: 20; Lindenberg, 2000: 649). بر این اساس از سنجش لیندنبرگ که شامل دو بعد بهبود اجتماعی (عواطف، بهبود رفتاری و شأن منزلت) و بهبود فیزیکی (آسایش و انگیزش) نیز استفاده شده است. شادابی اجتماعی در پژوهش حاضر پرسشنامه‌ای است که توسط لیندنبرگ تدوین شده است (Nieboer and et al., 2005).

از آسایش و انگیزش می‌توان به عنوان دو استدلال مهم در تابع تولید بهبود فیزیکی نام برد. درخصوص اهداف، هر دو ابزاری برای بهبود فیزیکی، و جامع اند یعنی برای همه انسان‌ها یکی است. هدف عمده دیگری که بارها و بارها از سوی جامعه‌شناسان به عنوان مهمترین هدف جامع نام برده شده است عبارت است از: بهبود اجتماعی، حاصل از تصدیق‌های اجتماعی. ویلیام گود عنوان می‌کند که "تمامی انسان‌ها نیازهای جامع خود را برای به دست آوردن احترام و ارزش دیگران نسبت به آن‌ها به اشتراک می‌گذارند. اساس زندگی اجتماعی، بخشی ریشه در نیازهای جامع انسان به منظور کسب احترام، ارجمندی، تصدیق و افتخار می‌باشد". ابزار مستقیم برای دستیابی به بهبود اجتماعی، خود اهداف جامع می‌باشند.

(۱) شأن، تصدیق‌های رفتاری و عاطفه. شأن به یک رتبه نسبی که به فرد ارجاع می‌شود، گفته می‌شود.

(۲) تصدیق رفتاری، احساس انجام و یا اتمام انجام "درست‌ترین کار" در نظر دیگرانی که به این قضیه ارتباط پیدا می‌کنند (بانضمام خود فرد) می‌باشد. "انجام درست‌ترین کار" محدود به اعمال معلوم نمی‌شود بلکه اعمال پنهانی همچون اندیشیدن به افکاری خاص، موافقت با قاعده کلی‌ای خاص، و همچنین اتخاذ نگرشی خاص را نیز در برمی‌گیرد. در نتیجه اصطلاح "رفتاری" به جوانبی برمی‌گردد که شخص در نظر دیگران (و همچنین خود وی) مسئول شمرده می‌شود.

(۳) عاطفه هم شامل حس علاقه و توجه در میان کسانی است که روابط نزدیک با وی دارند، و هم شامل احساس پذیرفته شدن در میان این گروه با این خصوصیات فردی ای که شخص دارد، می‌باشد (و این امر با آن چه که فرد دارد یا انجام می‌دهد در تضاد است). تمامی این اهداف ابزاری جامع، یا خودشان دارای وضعیتی احساسی هستند یا به وضعیتی احساسی معطوف می‌شوند، مثلاً احساس غرور و تسلط در بحث شأن، احساس گناه و شرمساری در بحث تصدیق‌های رفتاری و احساس علاقه و مهربانی در بحث عاطفه (Turner, 2000).

تعریف عملیاتی خوشبختی ذهنی در پژوهش حاضر همان پرسشنامه‌ای است که به دو صورت بلند و کوتاه توسط لیندنبرگ تدوین شده است که در مقاله حاضر از پرسشنامه کوتاه استفاده شده است.

جدول ابعاد محوری عناصر مفهومی متغیر شادابی اجتماعی

مفهوم	ابعاد	خرده ابعاد	شاخص
شادمانی اجتماعی	بهبود اجتماعی	محبت	آیا مردم به شما توجه می‌کنند؟
			آیا اگر شما مشکلی داشته باشید مردم به شما کمک می‌کنند؟
			آیا فکر می‌کنید مردم شما را عاشقانه دوست دارند؟
			احساس سهولت و راحتی کامل از در کنار دیگران بودن داشته اید؟
			آیا احساس می‌کنید به اندازه کافی مردم به شما اهمیت نمی‌دهند؟
	تایید رفتاری	آیا آنان از نقش و حضور شما در گروه قدردانی می‌کنند؟	
		آیا مردم شما را قابل اعتماد می‌دانند؟	
		یا شما احساس می‌کنید برای مردم مفید هستید؟	
		آیا مردم فکر می‌کنند شما کارها را بهتر از دیگران انجام می‌دهید؟	
		آیا آنان احساس می‌کنند بار مسولیت هایتان را بردوش آنان می‌گذارید؟	
	منزلت	آیا مردم شما را با نفوذ و موثر می‌شناسند؟	
		آیا شما از موفقیت خودتان راضی هستید؟	
		آیا فکر می‌کنند شما پیشرفت زیادی کرده اید؟	
		آیا شما را فردی مستقل می‌دانند؟	
		آیا شما به خاطر کاری که انجام می‌دهید در میان آنان شهرت دارید؟	
بهبود فیزیکی	آسایش	تا چه میزان احساس آرامش می‌کنید؟	
		تا چه میزان احساس سلامتی کامل می‌کنید؟	
		تا چه میزان احساس تناسب اندام می‌کنید؟	
		تا چه میزان احساس وضعیت جسمانی مناسب دارید؟	
		تا چه میزان احساس درد دارید؟ (به عنوان مثال درد فیزیکی)	
	انگیزه	آیا فعالیت‌ها شما را مشتاق به انجام دادن ادامه کار می‌کند؟	
		آیا واقعا از فعالیت‌ها لذت می‌برید؟	
		چند وقت یکبار کاری که انجام می‌دهید با تمرکز کامل است؟	
		آیا احساس می‌کنید زندگی برایتان کسل کننده است؟	
		آیا کاری برایتان جالب است؟	

تعریف نظری و عملیاتی متغیر رضایت از زندگی

احساس رضایت از زندگی بازتاب توازن میان آرزوها و خواسته های افراد و وضعیت اقتصادی و اجتماعی آنان است. به بیانی

دیگر، پیگیری اهداف و فعالیت های جهت دار و هدفمند از ویژگی های فرد انسانی است. از آن جا که سلسله مراتب اهداف معمولاً ریشه در نظام ارزشی هر جامعه دارد، می توان رابطه بین نظام ارزشی و احساس سعادت را رابطه ای معلوم پنداشت. با این مقدمه می توان نتیجه گیری کرد که میزان احساس سعادت و رضایت از زندگی می تواند بیان گر میزان نزدیکی سپهر ارزشی فرد با نظام ارزشی جامعه باشد و میزان رضایت پائین به نوعی نشان گر میزان بیگانگی و جدا افتادگی از فرهنگ مدنی قلمداد شود، که این فرهنگ عبارت است از مجموعه شاخص های رضایت از زندگی اعتماد به یکدیگر، رضایت سیاسی و احساس خوشبختی (عبدی و گودرزی، ۱۳۷۸: ۱۶۳). هر فرد بر حسب جایگاه اجتماعی و اقتصادی خود از سه وجه می تواند به خود بنگرد: اول از زاویه میزان برخورداری ها و امکانات مادی، دوم از زاویه نوع، میزان و کیفیت روابط اجتماعی و سوم از زاویه نوع و برداشت از بودن خود و هستی اجتماعی اش. بر این مبنا، می توان رضایت از زندگی را در سه دسته جای داد:

- ۱- رضایت ناشی از برخورداری^۱: این نوع رضایت بیشتر به امکانات و میزان برخورداری افراد از امکانات بستگی دارد؛ شامل ارزیابی از وضع مسکن، شغل، درآمد، امکانات موجود در خانه، بهداشت، آموزش و پرورش (سطح تعلیم)، پس انداز، وضع خوراک، وضع پوشاک و غیره.
- ۲- رضایت ناشی از ارتباط^۲: در این جامعه رابطه اجتماعی توجه می شود. رابطه اجتماعی از حیث نوع، شدت و درگیری عاطفی، بر رضایت کلی از زندگی اثر می گذارد. در هر حال، میزان رابطه اجتماعی شامل هر دو نوع رابطه نخستین و ثانوی بر رضایت فرد موثر است و اساساً رابطه اجتماعی منبع مهم رضایت از زندگی محسوب می شود. (عبدی و گودرزی، ۱۳۷۸: ۱۶۳)؛ شامل: رابطه با اعضای خانواده، دوستان، همکاران، هم محلی ها، هم شهری ها.
- ۳- رضایت ناشی از بودن^۳: این که ما که هستیم، در قضاوت ما از کیفیت زندگی موثر است، شامل: ارزیابی از خود (عبدی و گودرزی، ۱۳۷۸: ۱۶۳). به نظر می رسد این بخش از رضایت به نیاز به خویشن یابی^۴ و احساس تسلط و کنترل داشتن روی خویشن و محیط باز گردد.

ابعاد محوری عناصر مفهومی متغیر رضایت از زندگی

مفهوم	ابعاد	خرده ابعاد
رضایت از زندگی	رضایت ناشی از برخورداری	ارزیابی از وضع مسکن، شغل، درآمد، امکانات موجود در خانه، بهداشت، آموزش و پرورش (سطح تعلیم)، پس انداز، وضع خوراک، وضع پوشاک
	رضایت ناشی از ارتباط	رابطه با اعضای خانواده، دوستان، همکاران، هم محلی ها، هم شهری ها
	رضایت ناشی از بودن	ارزیابی از خود، احساس تسلط و کنترل داشتن روی خویشن و محیط

تعریف عملیاتی متغیر درآمد پاسخگویان

این متغیر به یک سوال در سطح سنجش فاصله ای، با عنوان میزان درآمد ماهانه شما چقدر می باشد پرسیده شده است.

روایی^۵ و پایایی^۶

جهت بررسی روایی پرسشنامه، از اعتبار محتوایی^۷ استفاده شده است که بر این نکته تأکید دارد که آیا تعاریفی که برای مفاهیم ارائه شده است، مفاهیم مورد نظر را می سنجد یا نه. برای تأمین روایی محتوایی مفاهیم تحقیق از شیوه توافق داوران استفاده شد و

¹ Having

² Relating

³ Being

⁴ actualization

⁵ Validity

⁶ Reliability

⁷ Content Validity

ضمن مشورت با اساتید مجرب از پیشنهادات ایشان در جهت رفع ایرادات مربوط به تعاریف مفاهیم اصلی تحقیق و سوالات مربوط به سنجش آنها، استفاده شد. برای سنجش پایایی از روش آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است، که پرسشنامه در یک تحقیق مقدماتی با حجم نمونه‌ای معادل ۳۵ نفر از شهروندان تهرانی که به صورت تصادفی انتخاب شدند، اجرا شده است. نتایج آزمون آلفای کرونباخ گویای این مطلب بود که پرسشنامه سنجش میزان شادابی اجتماعی و متغیر رضایت از زندگی از پایایی مطلوبی برخوردارند، و همچنین نتایج پایایی ترکیبی (CR) از طریق نرم‌افزار SmartPls نیز تایید شده است که در زیر گزارش آن آمده است.

بررسی روایی متغیرها

متغیرها	Composite Reliability	Cronbach's Alpha
شادابی اجتماعی	0.915314	0.89
رضایت از زندگی	0.882200	0.71

بررسی نرمال بودن متغیر وابسته

جدول ۳: آزمون کولموگورف - سمیرنف

Shapiro-Wilk			Kolmogorov-Smirnova			شادابی اجتماعی
Sig.	df	Statistic	Sig.	df	Statistic	
.094	780	.979	.072	780	.059	

نتایج آزمون ویلک و سمیرنف نیز در فاصله اطمینان ۹۵ درصد به ترتیب دارای سطح معناداری $Sig = 0.094$ و $Sig = 0.072$ را نشان می‌دهند که به علت بالاتر بودن سطح معناداری از 0.05 ، توزیع مقارن و نرمال متغیر شادابی اجتماعی را تأیید می‌شود.

بررسی فرضیات تحقیق

فرضیه اول: به نظر می‌رسد درآمد پاسخگویان با ابعاد شادابی اجتماعی رابطه همبستگی معناداری دارند.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد رضایت از زندگی با ابعاد شادابی اجتماعی رابطه همبستگی معناداری دارند.

جدول شماره ۴: آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین درآمد پاسخگویان و ابعاد شادابی اجتماعی

متغیرها	محبت	تایید رفتاری	منزلت	آسایش	انگیزه
درآمد پاسخگویان	r	.076*	.194**	.092*	.168**
	Sig	.037	.000	.012	.000
	N	780	780	780	780
رضایت از زندگی	r	.351**	.426**	.322**	.536**
	Sig	.000	.000	.000	.000
	N	780	780	780	780

همان طور که جدول فوق نشان می‌دهد، درآمد پاسخگویان با ابعاد منزلت، انگیزه، آسایش در فاصله اطمینان ۹۹ درصد با سطح معناداری $Sig=0.00$ ، و با بعد تایید رفتاری با $Sig=0.03$ رابطه و همبستگی دارد و اما با بعد محبت شادابی اجتماعی رابطه معناداری ندارد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که رضایت از زندگی با همه ابعاد شادابی اجتماعی در فاصله اطمینان ۹۹ درصد با سطح معناداری $Sig=0.00$ ، رابطه و همبستگی معناداری دارد.

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد درآمد پاسخگویان، رضایت از زندگی و شادابی اجتماعی با هم رابطه همبستگی معناداری دارند.

جدول شماره ۴: آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین درآمد پاسخگویان و ابعاد شادایی اجتماعی

متغیرها		درآمد پاسخگویان	رضایت از زندگی	شادایی اجتماعی
درآمد پاسخگویان	r	1	.241**	.187**
	Sig		.000	.000
	N	780	780	780
رضایت از زندگی	r	.241**	1	.594**
	Sig	.000		.000
	N	780	780	780
شادایی اجتماعی	r	.187**	.594**	1
	Sig	.000	.000	
	N	780	780	780

طبق نتایج آزمون پیرسون در جدول فوق، هر سه متغیر اصلی تحقیق دو به دو با یکدیگر رابطه معناداری دارند و شدت رابطه رضایت از زندگی و شادایی اجتماعی نیز قوی تر از بقیه روابط می باشد. همچنین جهت بررسی دقیقتر روابط مذکور در ادامه از تکنیک ضریب همبستگی جزئی (partial) و رگرسیون استفاده شده است. فرضیه چهارم: به نظر می رسد با کنترل متغیر رضایت از زندگی، درآمد پاسخگویان با شادایی اجتماعی رابطه همبستگی معناداری دارند.

جدول شماره ۴: آزمون ضریب همبستگی تفکیکی درآمد پاسخگویان و ابعاد شادایی اجتماعی

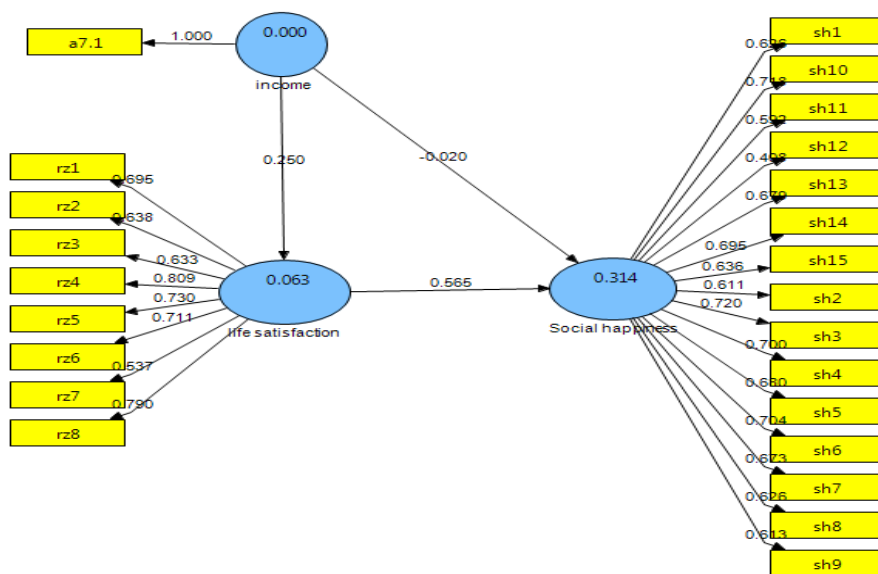
متغیر کنترل شده	متغیرها	شادایی اجتماعی	درآمد پاسخگویان
رضایت از زندگی	r	1.000	.056
	Sig	.	.121
	N	0	780
درآمد پاسخگویان	r	.056	1.000
	Sig	.121	.
	N	780	0

جهت بررسی و آزمون دقیقتر رابطه بین درآمد پاسخگویان و شادایی اجتماعی با تکنیک آماری ضریب همبستگی تفکیکی متغیر رضایت از زندگی را در این مرحله کنترل کرده ایم. بر این اساس نتایج نشان می دهد که بدون حضور متغیر رضایت از زندگی دو متغیر درآمد و شادایی اجتماعی با هم رابطه معناداری ندارند و این نشان از کاذب بودن رابطه بین دو متغیر در بالا می باشد.

بررسی تحلیل مسیر مدل و میزان تبیین از طریق نرم افزار SmartPLS

جهت بررسی میزان تاثیر متغیرها و تبیین متغیر وابسته (شادایی اجتماعی) از نرم افزار PLS استفاده شده است که علاوه بر تبیین ضرایب عاملی شاخص های سنجش در هر متغیر و ضرایب تاثیر متغیرهای مستقل درون زا و برون زا را نیز بررسی می کند. همچنین جهت دقت بالاتر نیز از تکنیک خودگردان سازی یا Bootstrap نیز استفاده شده است.

فرضیه پنجم: به نظر می رسد همزمانی متغیرهای میزان درآمد ماهانه و رضایت از زندگی بر شادایی اجتماعی موثر است.

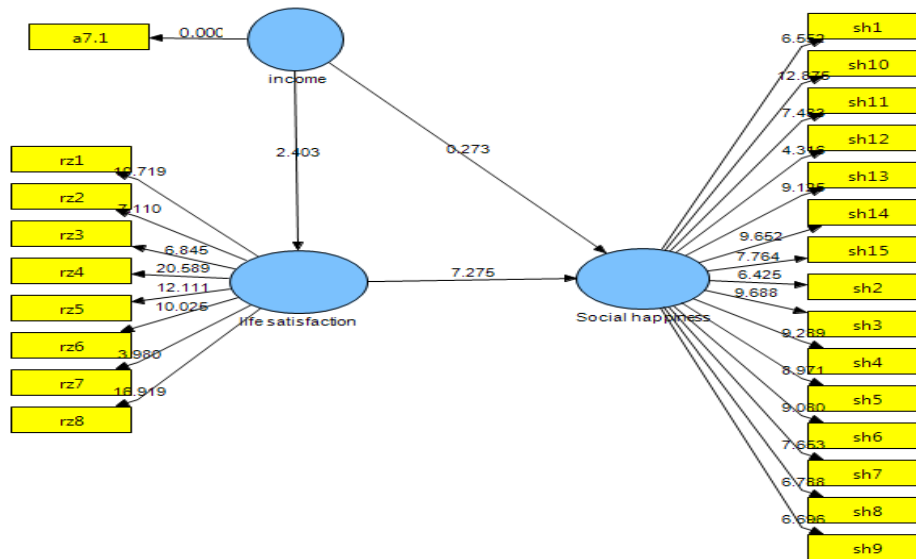


$GOF = \sqrt{communality \times R^2}$	GOF	communality	AVE	R Square	متغیرها
میزان $GOF=0/32$ می باشد قابل قبول می باشد.	0.32	0.422087	0.422087	0.314426	شادابی اجتماعی (وابسته)
		1.000000	1.000000		درآمد ماهانه (برون زا)
		0.487092	0.487092	0.062511	رضایت از زندگی (درون زا)

مهمترین شاخص برازش مدل در تکنیک حداقل مجذورات جزئی شاخص GOF است. سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ را به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای Gof معرفی نموده‌اند. این شاخص با استفاده از میانگین هندسی شاخص R^2 و میانگین شاخص‌های افزونگی قابل محاسبه است. ($GOF = \sqrt{\text{average}(\text{Comunalitie}) * R^2}$) که در تحقیق حاضر این مقدار $GOF=0/28$ می‌باشد و مدل قابل تایید و پذیرش می‌باشد.

استفاده از تکنیک BOOTSTRAPE در بررسی مدل

خودگردان سازی یا Bootstrap را می‌توان انجام نمونه گیری با جایگذاری از یک نمونه اصلی به دفعات زیاد دانست. یعنی ما از یک نمونه ثابت با حجم محدود به دفعات زیاد نمونه گیری مجدد البته با جایگذاری انجام می‌دهیم تا در نهایت بتوان با استفاده از نتایج کلیه دفعات نمونه گیری، در مجموع به یک توزیع نمونه‌ای دست یافت. مهمترین تفاوتی که باید گفته شود این است که در روش بدون Bootstrap شرط نرمال بودن توزیع داده‌ها وجود دارد اما در استنباط از طریق نمونه گیری خودگردان یا Bootstrap چنین شرطی وجود ندارد. یعنی اگر توزیع داده‌های ما نرمال نبود می‌توانیم از این روش برای استنباط و بررسی معناداری ضرایب آماری خود بهره ببریم. هر چند که در مقاله حاضر حجم نمونه ۷۸۰ نفر و نرمال نیز بوده است علیرغم این نتایج روش Bootstrap آمده است تا دقیقتر به روابط فوق پردازیم. در نهایت این روش هم نتایج فوق را تایید می‌کند.



با توجه به نتایج فوق می توان گفت در صورتیکه میزان تاثیر روابط و ضرایب عاملی بیشتر از ۲ باشند یعنی رابطه خوب می باشد و هر چه بزرگتر از ۲ باشد یعنی شدت رابطه و تاثیر بیشتر است و همانطور که در بالا آمده است میزان تاثیر متغیر درآمد بر شادابی اجتماعی بطور مستقیم ناچیز می باشد و متغیر درآمد بیشترین تاثیر را از طریق متغیر رضایت از زندگی بر شادابی اجتماعی می گذارد و همچنین میزان تاثیر رضایت از زندگی بر شادابی اجتماعی نیز تأثیری قوی می باشد. همچنین ضرایب روابط تحلیل مسیر به روش PLS Algorithm (مدل اول) و به روش Bootstrap (مدل دوم) در زیر آمده است.

Bootstrap	PLS Algorithm	روش بررسی
T Statistics (O/STERR)	Total Effects	مسیر
0.254495	0.121209	درآمد ماهانه -> شادابی اجتماعی
2.543606	0.250021	درآمد ماهانه -> رضایت از زندگی
7.542320	0.565438	رضایت از زندگی -> شادابی اجتماعی

نتیجه گیری

هر چند اقتصاددانان به طور کلی می پذیرند که شادابی وابسته تغییر شرایط بخصوص شرایط مادی است ولی باید رابطه بین بهبود شرایط اقتصادی و شادابی را باید در دو سطح خرد و کلان مورد تحلیل قرار داد. وینهون معتقد است نشاط در سطح خرد، وابسته به توانایی های شخصی مانند کارآمدی، استقلال و حمایت و مهارت های اجتماعی، تحصیلات و درمان می تواند ارتقاء دهنده این مهارت ها باشد (Veenhoven, 2001:2). در بررسی عوامل اثر گذار بر شادابی، چگونگی ارتباط بین درآمد و شادابی سؤال مهمی است که نظر اقتصاددانان را به خود جلب کرده و در مطالعات تجربی گوناگونی مورد توجه قرار گرفته است. امروزه اجماع نظر بر این است که درآمد تأثیر مثبت بر روی رفاه فردی و شادی برجای می گذارد و این ارتباط از نظر آماری معنادار و از نظر مقداری و کمی نسبتاً کوچک است.

همانطور که نتایج مقاله حاضر نشان می دهد میزان تاثیر متغیر درآمد بر شادابی اجتماعی بطور مستقیم وجود دارد اما ناچیز می باشد و متغیر درآمد بیشترین تاثیر را از طریق متغیر رضایت از زندگی بر شادابی اجتماعی می گذارد و همچنین میزان تاثیر رضایت از زندگی بر شادابی اجتماعی نیز تأثیری قوی می باشد. بر این اساس همانطور که وینهون گفته است این بدین معناست که؛ در صورتی که پول بتواند نیازهای اساسی و جهانی برای غذا، سرپناه و لباس را برآورده سازد، می تواند شادابی را افزایش دهد.

مردم پول را برای چیزها یا فعالیتهایی خرج می کنند که دوست دارند و گمان می برند که آنها را ارضاء کرده یا برای آنها لذت آور است و بعضی از مردم پول را برای غذا یا سایر نیازهای اساسی و نیز برخی انواع تفریحات خرج می کنند (آرگایل، ۱۳۸۳: ۲۳۳). همینطور نتایج مقاله حاضر نیز در بررسی همبستگی درآمد پاسخگویان با ابعاد شادابی نشان می دهد که درآمد با ابعاد منزلت، انگیزه، آسایش در فاصله اطمینان ۹۹ درصد و با بعد تایید رفتاری در فاصله اطمینان ۹۵ درصد رابطه و همبستگی دارد و اما با بعد محبت، رابطه معناداری ندارد. به عبارتی درآمد با همه ابعاد شادابی رابطه ندارد.

گواه و شاهدی که برای این یافته ها وجود دارد، می توان در مطالعات افرادی مانند فری و استاتزر (۲۰۰۰) و ساکس و همکاران (۲۰۱۲) مشاهده کرد. زیرا درآمد به علت ایجاد فرصت به دست آوردن کالاهای مورد خواست بشر و نیز به علت کسب شأن و جایگاه اجتماعی بالاتر، می تواند موجب افزایش رفاه و شادی شود. این درحالی است که نتایج تجربی اندکی از پژوهش ها، نظیر پژوهش استرلین (۱۹۷۴) حاکی از نبودن رابطه بین درآمد و سطح شادی است. یا اینکه نتایج مطالعه نابه و راتزل (۲۰۱۰) نشان می دهد که اثر درآمد بر روی سطح شادی به شکل U معکوس است. به این صورت که با افزایش درآمد تا یک حد مشخص، شادی افزایش می یابد؛ اما بعد از گذشتن از این حد، چون تقاضا برای درآمدهای بالاتر نیازمند کار و تلاش بیشتری است و کار بیشتر عاملی برای کاهش مطلوبیت و شادی است، سطح شادی کاهش می یابد.

آهوویا^۱ به بررسی و حل معمای رابطه بین مصرف و خوشبختی ذهنی می پردازد. پژوهش ها از طرفی نشان می دهند که به طور متوسط، مردم کشورهای غنی، خوشبختی ذهنی بالاتری (به طور معنادار) نسبت به مردم کشورهای فقیرتر دارند و از طرف دیگر وقتی افراد درون آن کشورها مقایسه می شوند، درآمد دارای رابطه خفیفی با خوشبختی ذهنی در سطح بالای رفح نیازهای اساسی می باشد که این اشاره دارد به اینکه سطوح بالاتر مصرف با سطوح بالاتر خوشبختی ذهنی پیوندی ندارد. آهوویا به عنوان یک راه حل این معما اظهار می کند که توسعه اقتصادی منجر به سطح بالاتری از میانگین خوشبختی ذهنی می شود نه از طریق افزایش میزان مصرف بلکه از طریق ایجاد فرهنگ فرد گرایانه ای که در آن افراد به پیگیری شادابی فردی شان به دور از تشریفات و التزامات اجتماعی، ترغیب و تشویق می شوند (Ahuvia, 2002; 24). به طور کلی فردگرایی را می توان به عنوان یک جهان بینی مفهوم پردازی کرد که اهداف شخصی و منافع شخصی را در هسته خود قرار داده است و جامعه را در اولویت دوم قرار می دهد. به نظر آهوویا بخشی از رابطه مثبت بین ثروت ملی و میانگین خوشبختی ذهنی، به خاطر حذف شکل های مفرط فقر و محرومیت است. اما این استدلال کفایت نمی کند. اخیرا شاینز (Schyns, 2000) با رویکردی چند سطحی سعی در تحلیل همزمان داده های سطح ملی و سطح فردی در یک مدل ساده کرده است. شاینز دریافت که زندگی در یک کشور غنی، بیشتر از افزایش درآمد فردی، دارای اثرات مثبت بر خوشبختی ذهنی افراد است. توسعه اقتصادی به زعم آهوویا، خوشبختی ذهنی را به واسطه ایجاد یک فضای فرهنگی که در آن افراد به انتخاب و بهینه سازی شادابی شان بیشتر از انجام تعهدات و التزامات اجتماعی دست می زنند، افزایش می دهد. این دگردیسی فرهنگی که در حال فاصله گرفتن از وظایف اجتماعی و جهت گیری به سمت پیگیری شادابی است، بخشی از یک دگردیسی گسترده ای است که در حال فاصله گرفتن از جمع گرایی و نزدیک شدن به سمت ارزش های فرد گرایانه می باشد. یافته های اخیر نشان می دهند که در کشورهای فقیر، فردگرایی دارای پیوند منفی با شادابی بوده است، در حالیکه در بین کشورهای ثروتمند، فردگرایی پیوند مثبتی با شادابی داشت (Ahuvia, 2008: 25). این نتایج نشان می دهند که رشد اقتصادی بخشی از نظام پیچیده مدرنیسم است که باید میزان شادابی افراد در کلیت آن درک شود.

نکته ای که در همه تحقیقات نشان داده شد این است که میزان معینی از پول، شرط لازم ولی ناکافی برای شادی است (Kesebir & Diener, 2008: 122). مثلا در کشورهایی همانند هند درآمد پایین تهدید کننده نیازهای اساسی انسان است و بنابراین با افزایش درآمد، بهزیستی ذهنی نیز افزایش می یابد. اما در کشورهای ثروتمند که نیازهای ضروری افراد برآورده شده است

^۱ Ahuvia

وضعیت متفاوت است. در ایالات متحده، کانادا و اروپا همبستگی بین درآمد و شادی فردی با توجه به مطالعات اینگلهارت (۱۹۹۰) بسیار پایین است. همچنین داینر و همکاران گزارشی از تاثیر درآمد بر شادی در مورد مردم ۱۹ کشور با استفاده از یکصد و پنجاه هزار آزمودنی ارائه کردند. طبق این گزارش میانگین همبستگی بین درآمد و شادی ۱۳ درصد است. از سوی دیگر تاثیر درآمد بر شادی در کشورهای با درآمد پایین بیشتر از کشورهای با درآمد بالاتر است و این امر شاید به این دلیل باشد که در این کشورها پول، نیاز به غذا، مسکن و سایر نیازهای اساسی را برآورده می کند (عابدی، ۱۳۸۱: ۹۱-۹۰).

منابع و ماخذ

- آرگایل، مایکل (۱۳۸۳)، روانشناسی شادی. ترجمه: فاطمه بهرامی، حسن پالانگ، حسن گوهری. تهران: نشر جهاد دانشگاهی، واحد صنعتی.
- آیزنک، مایکل (۱۳۷۵)، روانشناسی شادی. ترجمه: مهرداد فیروز بخت و خشایار بیگی. تهران: انتشارات بدر.
- باج پایی، کانتی و شیبانی، صابر (۱۳۸۴)، امنیت انسانی: مفهوم سنجش. تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
- بختیاری، صادق؛ مهدی فتح آبادی (۱۳۸۹) رابطه بیکاری و تورم با شادی و رفاه: مطالعه تجربی برای منتخبی از کشورهای آسیایی، گزارش راهبردی، معاونت پژوهش های اقتصادی، شماره ۱۳.
- چلبی، مسعود؛ موسوی، سید محسن (۱۳۸۷)، بررسی جامعه شناختی عوامل موثر بر شادمانی در سطوح خرد و کلان، مجله انجمن جامعه شناسی ایران، دوره نهم.
- خسروی، صدراله؛ امید قمرانی؛ محمدرضا بردیده (۱۳۸۹)، بررسی عوامل مؤثر بر شادکامی دانشجویان دانشگاه آزاد واحد فیروزآباد، مجله مشاور مدرسه ۶، (۱)، ۸-۱۴.
- رحمانی خلیلی، احسان (۱۳۹۲)، بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی بر سلامت اجتماعی شهروندان تهرانی، پایان نامه دکتری، رشته جامعه شناسی، استاد راهنما: منصور وثوقی، استاد مشاور: سید محمد صادق مهدوی و علیرضا محسنی تبریزی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- عابدی، محمدرضا (۱۳۸۱)، بررسی و مقایسه اثربخشی روش های مشاوره شغلی به سبک نظریه یادگیری اجتماعی، سازگاری شغلی و مدل شناختی رفتاری فوردایس بر کاهش افسردگی شغلی مشاوران آ.پ. شهر اصفهان، پایان نامه دکتری مشاوره، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- عبدی، عباس و محسن گودرزی (۱۳۷۸)، تحولات فرهنگی در ایران، تهران، روش.
- محمدرزاده، پرویز؛ حسین اصغرپور؛ امید منیعی (۱۳۹۲)، بررسی تأثیر درآمد بر شادی نیروی کار در ایران، مجله تحقیقات اقتصادی ۴۸: ۱۳۹.
- Ahuvia, Aaron. C. (2002). "Materialistic values and well-being in business students". *European journal of social psychology*, Vol. 32, No. 1, pp. 137-146.
- Ahuvia, Aaron. C. (2008). "If money doesn't make us happy, why do we act as if it does?". *Journal of Economic Psychology*, Vol. 29, No. 4, pp. 491-507.
- Diener, E., & Seligman M. (2002). "Very happy people". *Psychology Science*, No. 13, pp.81-4.
- Easterlin, R. A. (1974). Does Economic Growth Improve the Human Lot? Some Empirical Evidence. in David P.A. and Reder, M.W. (eds.). *Nations and Households in Economic Growth: Essays in Honour of Moses Abramowitz*, Academic Press, New York and London, 89-125.
- Frey, B.S. & Stutzer, A. (2000). *Happiness, Economy and Institutions*. *Economic Journal*. 110 (446): 918-938.
- Kenny, C. (1999). Does Growth Cause Happiness, or Does Happiness Cause Growth?. *KYKLOS*. 52: 3-26. Washington, DC.
- Kesebir P& ED. Diener. (2008). In Pursuit of Happiness: Empirical Answers to Philosophical Questions. *Perspectives on Psychological Science*. Volume3. (2): 117-125:<http://pps.sagepub.com>.

- Knabe, A., & Rätzel, S. (2010). Income, happiness, and the disutility of labor. *Journal of Economics Letters*, 107 (1): 77-79.
- Lane, R. (2000). "Diminishing Returns to income; Companionship and happiness". *Journal of happiness studies*, No. 1, pp. 103-119.
- Lindenberg, S. (1993). Framing, empirical, evidence and applications (pp. 11-38). Tubingen: Mohr (siebeck).
- Lindenberg, S. (2000). "It takes both trust and lack of mistrust: the workings of solidarity and relational signaling in contractual relationships". *Journal of Management and Governance*, No. 4, pp. 11-33.
- Nieboer, A., Lindenberg, S., Boomsma, A., Van Bruggen, A.C. (2005). "Dimensions of well-being and their measurement: The SPF-IL Scale". *Social Indicators Research*, No. 73, pp. 313-353.
- Sacks, D. W., Stevenson, B. & Wolfers, J. (2012). The New Stylized Facts about Income and Subjective Well-Being. *Emotion*, 12 (6):1181-1187.
- Schyns, P. (2000). "Cross National Differences in Happiness: Indicator". No. 43, pp. 3-26.
- Tian, Guoqiang & Liyan Yang. (2008). How Are Income and Non-Income Factors Different in Promoting Happiness? An Answer to the Easterlin Paradox. Texas A&M University Department of Economics and Rotman School. University of Toronto. <http://papers>.
- Turner Janatan, H. (2000). On The origins of human emotions. *Asociological inquiry in to the evolution of human affect*. CA: Stanford University press.
- UNDP (1990). Human development Report. Oxford: Oxford university press.
- Veenhoven, R. (1989). National Wealth and Individual Happiness. *Understanding Economic Behaviour*, 11: 9-32.
- Veenhoven, R. (2001). "Interdisciplinary forum on subjective well-bing". *Journal of happiness studies*, No. 2, pp. 85-92.

Explaining social happiness with an emphasis on income inequality and the role of mediation in life satisfaction

Ehsan Rahmani khalili¹

Department of Sociology, Central Tehran Branch, Islamic, Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Abstract: *The word of happiness is not used to refer to a particular aspect of life, but to the whole person's life. It means that one can express one's own perceptions of the dimensions and events of his life for expressing his vitality. In the definition of happiness, the meaning of a pleasant, worthwhile and loving life is on the person's own. The main question in the present article is: What does income affect the mediation of life satisfaction on social happiness? This research is based on the positivist approach and is an explanatory type and has been used for scrolling. The measurement of the social happiness variable has been operational based on the Lindenberg index. After assessing validity and reliability, a combination of multistage cluster sampling and multi-stage cluster sampling was performed on 790 households in five areas of Tehran in 2021 by estimating sample size using the Cochran formula. The findings of this article show that in spite of the relationship between income and social happiness and life satisfaction control, income with social happiness is not significantly correlated. Also, in the review of the research model by the Bootstrap method in SmartPls software, the results show that the effect of variable income on social happiness is directly insignificant and the income variable has the most impact through the life satisfaction variable on social happiness and also the amount The impact of life satisfaction on social happiness also has a strong impact.*

Keywords: *Social happiness, economic income, life satisfaction, citizens of Tehran.*

¹ Email: Ehsan5171@gmail.com (Corresponding Author)